

چهارشنبه 29 می 2019

مرجان کمال

اسلام و اقتدار سیاسی

نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

قسمت سوم

ببینم آن رخ زیبای دلکشای ترا
که غرق بوسه کنم من دست و پای ترا
مگر صبا برساند به من هوای ترا

بود که بار دیگر بشنوم صدای ترا
کی ام مجال کنار تو دست خواهد داد
دل گرفته من کی چو غنچه باز شود؟



طریقت نقشبنديه:

این طریقت در آسیای میانه و افغانستان از جمله طریقت های بسیار مهم و با اهمیت می باشد، بنیاد آن توسط خواجه بها الدین نقشبند بخارایی (1318 - 1389 میلادی) گذاشته شد، بنیان گذاران این طریقت یک شبکه مراکز صوفی ها را در هرات، بلخ و در بدخشان مستقر نمودند. در هند

شیخ احمد سرهندی (Chaykh Ahmad Sirhindi)، (شیخ ربانی، 1564-1624) لقب مُجَدِّدِ - آلف - ثانی (Mudjadid –e Alf –e Thani) (Restaurateur du second millénaire) اختیار نمود. وی یک چهرهٔ برازنده علیه ایجاد مذهب سینکریتیکی (Synchrétique) توسط امپراطور اکبر به شمار می رود.

شیخ خود را وقف دوباره داخل نمودن شرعیت در افکار تصوفی (Mystique) نمود و آرزوی اصلاح دوبارهٔ آن را به مانند یک سنگر و یا یک مبدأ و در امان نگهداشتن دین در مقابل نفوذ هندو (hindoues) و نگهداری عرف و آئین اورتودوکسی (orthodoxie) سنی را داشت. و آن را در داخل چهار طریقت داخل نمود. (طریقت چشتیه، قادریه، سهروردیه (Sohrawardyya) و نقشبندیه).

در بین اجداد شیخ احمد سرهندی (Sirhindi)، فُرُخ شاه ال - فاروقی ال - کابلی، والی کابل در وقت غزنویان نیز به شمار می رود. این آخرین انتخاب نمود که از دنیای بی باور بودن دوری نماید و خود را وقف صوفیزم نماید.

وی در ولایت کاپیسا در ولسوالی نجراب اقامت گزین گردید، که در آن جا آرامگاهش به زیارت مبدل گردیده است.

در افغانستان این طریقه توسط فامیل مجددی نمایندگی می شود، فامیل مجددی یک شاخهٔ از اولادهٔ شیخ احمد سرهندی (Sirhindi) هستند. این فامیل در کارتهٔ شوربازار کابل مسکن گزین گردیده و باعث باز نمودن یک تعداد مراکز در غوربند در مرکز افغانستان، در کوهستان در شمال شرق کابل، در لغمان در شرق افغانستان و در لوگر در جنوب کابل گردیدند.

یک قسمت دیگر فامیل یک خانقاه در جغرتان (Jaghartan) در ولایت هرات در غرب افغانستان باز نمودند.

یک تعداد دیگر این نسب بنیاد گذار یک طریقت در کشور، مخصوصاً در هرات در ولسوالی کُرُخ یک خانقا توسط عبد القسیم به نام صوفی اسلام که اصلاً از آسیای میانه می باشد، گردید. این مرکز امروز هم از طرف اهالی ترکمن و هزاره سنی مذهب فعال می باشد. در سال 1837 میلادی صوفی اسلام جهاد علیه فارس (Perses) را اعلان نمود و وظیفه بسیج نمودن تشکیلات مسلحانه اهالی را به دوش گرفت.

طریقت نقشبندیه به صورت بسیار برجسته از موجودیتِ ارتباطات تنگاتنگ که بین اورتودوکسی (Orthodoxie) عالمانِ برخواسته از آموزش تعلیمات مدرسه ها که قبلاً ذکر شد و کلتور صوفی، مخصوصاً در افغانستان و در هندوستان را، تبارز می دهد.

اسلامِ طریقت هندی بسیار زیاد وابسته به آگاهی های شرعیت می باشد، که رشته تخصصی عالمان و موضوع مرکزی تعلیمات مدارس، در یک اوضاع و احوال ایکه در آن جا تقابل با مذهب هندو، موجود می باشد، فلذا صوفی های هندی را رهنمایی می کند که با پیش قدم ساختن شرعیت خود را از آن ها مجزا نمایند.

در نتیجه در هند و در افغانستان، پیر ها (Pir-s) (روحانیون) نیز در صف علما هستند.

مکتب دیوبند (Deoband)، از جمله مدرسه های بسیار مهم نیم قاره هند بوده، و معروف به سنت گرایی (Traditionalisme) می باشد، و روابط تنگاتنگ همراهی طریقت های قادریه و نقشبندیه دارد. و بر علاوه سه نوع طریقت که در افغانستان ذکر گردید، اهمیت شرعیت در هر سه نوع طریقت ذکر شده در افغانستان در قدم اول قرار دارند.

در بین شان بعضی از طریقت ها مانند طریقت چشتیه معرفت احادیث را (haddith-s) را زیاد مهم از معرفت باطنی (gnose mystique) می داند.

بنیان گذار طریقه چشتیه، مُعین الدین چشتی (1142 - 1193) است که صوفیزم را به مانند یک نظم و مقررات اخلاقی (éthique) دانسته که نتیجه پایانی تحقیق می باشد، که چهار مرحله دارد: اولی مطابقت مطلق با شرعیت داشته، و ما را به طرف دومی رهبری می کند، که همانا راه طریقت (mystique) بوده، که ما را به طرف سوم می برد که معرفت (gnose)، و بالاخره چهارم و قدم آخری، حقیقت است.

طریقت نقشبندیه که به طریقتِ اورتودوکسی (orthodoxie) بسیار نزدیک است، و از سوی دیگر از مشخصات آن انزوا و گوشه گیری در جامعه (خلوت در انجمن) می باشد و فکر می کنند که با عملی نمودن ذکر (تکرار نام های خداوند تعالی) باید اجرا گردد، بدون قطع نمودن رابطه با جامعه، برای اجتناب نمودن از هیجان خودی (exaltation de l'égo).

یک نوع دیگر اصول نقشبندیه عبارت از سفر می باشد، به این معنی یک سفر داخلی یا سفر در وطن گفته می شود که همانا سفر در جهان داخلی خود انسان بوده که جای رحمت ایزدی و رضای الهی می باشد. این سفر به داخل خود انسان برتری داده شده نظر به زائرین که از یک جا به دیگر

جا سفر می کنند (درویش darwech)، که احتمال گم شدن رشته نخ درون نگری در نزد شان می رود.

پرنسیپ خلوت در انجمن در طریقت نقشبندی عبارت از مقاومت در برابر اعضای حکومت است ، تا مسلمانان را از اهریمن ظلم و ستمگری نجات بدهد. استفاده از این پرنسیپ سبب ظهور چهره های مهم نقشبندی در هند گردیده است. به همین ترتیب در داغستان، شیخ شمیل (Chaykh Chamil) یک نقشبندی مشهور 30 سال علیه روس ها مقاومت کرد.

بالاخره از قرن بیستم میلادی به این سو، مجددی ها چهره های بسیار مهم نقشبندی در ساحة سیاسی افغانستان را تشکیل می دهند.

ادامه دارد